

پنجشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۱– ۲۰ محرم ۱۴۴۴– ۱۸ اگوست ۲۰۲۲– سال بیست‌ویکم– شماره ۵۷۸۶

پدرام درخشانی – نوازنده سنتور و آهنگساز – می‌گوید که مردم عمدتا موسیقی را برای دو حس شادی و غم طلب می‌کنند تا به این وسیله در زمان شادی، شادی خود را افزون کنند و در شریاضی که غمی وجودشان را فرا گرفته موسیقی غمگین گوش می‌دهند؛ گویی که بخواهند نمک روی زخمشان بپاشند.

پیشتر طلی گفت‌وگویی با کوروش بابایی درباره دلایل علاقه افزون تر ایرانی‌ها به موسیقی باکلام در مقایسه با موسیقی بی‌کلام صحبت کرده بودیم که او پایه ادبیات محور و شاعرخیز ایران و آموزش را از موارد دخیل در این علاقه به شمار آورده بود.

اکنون تصمیم گرفتیم این مسئله را با پدرام درخشانی – نوازنده سنتور و آهنگساز – مطرح کنیم.

او در گفت‌وگو با ایسنا نخستین دلیل را سیستم ضعیف آموزش موسیقی در ایران و آغاز نشدن آموزش موسیقی از سن کم برای افراد، می‌داند.

درخشانی ادامه می‌دهد: مردم ما علاقه زیادی به موسیقی دارند ولی فرهنگ شنیداری آنها پایین است. البته زمانی که افراد از سن پایین تحت آموزش موسیقی قرار نمی‌گیرند و اگر هم قصد یادگیری موسیقی را داشته باشند، از نوجوانی یا جوانی شروع می‌کنند، پس سلیقه موسیقی امروز مردم امری طبیعی است.

این هنرمند در ادامه روند آموزش موسیقی در ایران را با کشورهای پیشرفته مقایسه می‌کند و می‌گوید که در آن کشورها به علت آموزش موسیقی به افراد از کودکی، مغز آنها با موسیقی پرورش پیدا می‌کند، در نتیجه به علت آمادگی که به مغز داده شده پذیرای موسیقی پیچیده هم خواهند بود.

او درباره علت استفاده از کلمه «پیچیده» برای موسیقی بی‌کلام توضیح می‌دهد: زمانی که موسیقی بی‌کلام گوش می‌دهید، باید از آواز سازه‌ها و ارتباطی که بین آنها وجود دارد لذت ببرید و موسیقی را درک کنید؛ کاری که با ذهن آشفته و پرورش نیافته ممکن نیست.

**برای درک هنر مطالعه داشته باشید**

او ادامه می‌دهد: هر چقدر که سطح یک رشته هنری بالاتر باشد، مطالعه بیشتری برای درک آن لازم است؛ زیرا ممکن است مخاطب بدون هیچ آگاهی قبلی به تماشای مثلا یک اپرا بنشیند ولی محتوا و ساختار برایش پیچیده باشد و درکی از آن نداشته باشد. در چنین مواردی هر چقدر هم موسیقی بخواد به این مخاطبان نزدیک شود، آنها را به وجد بیاورد و حس خوبی منتقل کند، آنها باز هم درک چندانی نخواهند داشت. گرچه که اگر مخاطب درباره اپرا مطالعه کرده باشد، موسیقی، تئاتر، طراحی لباس، طراحی کاراکتر و … را بشناسد، این اطلاعات موجب می‌شود که از اجزای لذت ببرد.

**در ایران فقط به دو جنبه از موسیقی توجه می‌شود**
این نوازنده سنتور در توضیح علت، این نکته را عنوان می‌کند که در ایران کمتر به جنبه‌های اثرگذار موسیقی پرداخته می‌شود و عمده مردم تنها به دو جنبه سطحی شاد و غمگین بودن موسیقی توجه می‌کنند؛ این در حالی است که موسیقی دارای جنبه‌های مختلف و شاخ و برگ‌های زیاد است، علوم زیادی چون ریاضی، فیزیک، شیمی به آن ربط پیدا می‌کنند و حتی می‌توان خیلی از علوم را با موسیقی



گروه تئاتر «خانه» به سرپرستی محمد رضایی‌راد با نگارش نامه‌ای مکتوب، دلایل انصراف خود را از اجرای نمایش «به گزارش زنان تروا» تشریح کرده است. روز سه شنبه ۲۵ مرداد ماه ایسنا برای اطلاع از وضعیت چند آثار نمایشی در مجموعه تئاتر شهر با سید محمد جواد طاهری، مدیر این مجموعه گفت‌وگویی کرد. این مدیر هنری خبر داد، محمد رضایی‌راد که قرار بود نمایش «به گزارش زنان تروا» را آذر و دی امسال در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر اجرا کند، به صورت مکتوب از اجرای این نمایش انصراف داده است.

او در پاسخ به اینکه دلایل این انصراف چه بوده است، عنوان کرد که دلایل را از خود گروه پرسید.

پرسید.

بعد از این تماس، با گروه تئاتر «خانه» تماس گرفتیم و این گروه اعلام کرد که دلایل انصراف خود را در نامه‌ای مکتوب به مدیر تئاتر شهر اعلام کرده است و همان نامه را برای انتشار در اختیار ما گذاشت.

مدیر تئاتر شهر در گفت‌وگو با ایسنا درباره دلیل انصراف این کارگردان از اجرای نمایش

#### پدرام درخشانی:

# راه موسیقی در ایران را سود مالی چند نفر مشخص می‌کند



آموزش داد. او ادامه می‌دهد: ارتباط با موسیقی به واسطه دو جنبه شادی و غم، نگاهی سطحی و زودگذر است و بیشتر هم از طریق ارتباط کلامی برقرار می‌شود؛ مخاطبی که به دنبال موسیقی باکلام است به یک قطعه موسیقی گوش می‌دهد و مسئله مهم برای او نزدیک بودن محتوای ترانه به مسائل ذهنی ائش است که اگر اینگونه باشد، خیلی سریع با کار از ارتباط برقرار می‌کند.

#### هر چیزی به جای خود

این مسئله را با درخشانی مطرح می‌کنیم که آیا پایه ادبیات محور و شاعرخیز ایران ارتباطی با تمایل مردم به موسیقی باکلام دارد؟ پاسخ می‌دهد: موسیقی جای خودش را دارد و شعر هم جای خود را. انسان به هر حوزه‌ای از هنر که توجه نشان می‌دهد باید براساس درک خود با آن ارتباط برقرار کند؛ همانگونه که یک نقاشی را بدون اینکه توضیحی داشته باشد براساس برداشت خود می‌فهمد. این مسئله درباره موسیقی هم صدق می‌کند و فهم آن به مترجم یا کلام نیاز ندارد، بلکه باید از خود موسیقی و ارتباطی که بین سازه‌ها برقرار شده لذت برد.

او توضیح می‌دهد: شاید در ایران از یک قطعه موسیقی لذت ببریم و شعر آن برای ما مفهوم عینیّی داشته باشد، ولی اگر همان قطعه در یک کنسر همسایه اجرا شود، کلام برای شنونده بی‌اهمیت و بی‌معنی خواهد بود؛ چون زبان را نمی‌فهمد، می‌خواهد بداند موسیقی و صداها چه می‌گویند، پس تنها چیزی که باقی می‌ماند موسیقی است.

این هنرمند همچنین بیان می‌کند که «موسیقی باید کار خود را انجام دهد و به هیچ چیزی نیازی ندارد» و تأکید می‌کند که «در یک قطعه موسیقی خواننده باید در نقش یک ساز عمل کند و هماهنگی خوبی بین سازه‌های دیگر ایجاد کند.» «گر قرار باشد از شعر لذت ببریم می‌توانیم در شب شعر شرکت کنیم؛ در آنجا شاعرها جمع می‌شوند، شعر خود را می‌خوانند و ما هم می‌توانیم از هنر آنها در سربودن شعر لذت ببریم.» او ادامه می‌دهد: به دلیل اینکه جامعه و کشور ما مهد شعر و شاعری است، ارتباط شعر با موسیقی برای مردم مهم است و البته این ارتباط می‌تواند برای آنها خیلی هم لذت‌بخش باشد ولی در کشورهای دیگر اینگونه

موسیقی منتشر می‌شود، مردم با ذوق و شوق کار را تهیه می‌کردند ولی از زمانی که گوشی‌های هوشمند به بازار آمده و اینترنت به صورت گسترده در اختیار مردم قرار گرفته، سلیقه موسیقایی جامعه و همه چیز در موسیقی تغییر کرده است؛ از روش پخش موسیقی گرفته تا برگزاری کنسرت‌ها و سبک آثاری که اجرا و ضبط می‌شود. به نظر من زمانی که با کاست موسیقی گوش می‌دادیم، خیلی قشنگ‌تر بود و گویی فرصت بیشتری برای شنیدن موسیقی و پرداختن به جزئیات داشتیم.

**تبعیضی که موسیقی گرفتار آن شده**

«در ایران کمتر شاهد فعالیت ارکسترهای موسیقی کلاسیک و حتی موسیقی ایرانی هستیم که این مسئله باعث شده خوراک کمتری در این نوع موسیقی به مخاطب ارائه شود. ارتباط این مسئله با ساختار سلیقه موسیقایی کنونی مردم چیست؟»

این آهنگساز پاسخ می‌دهد: در ایران تبعیض زیادی در موسیقی وجود دارد و برخی گروه‌ها با اینکه شاید کیفیت لازم را هم نداشته باشند، مرتب کنسرت می‌دهند، گرچه گروه‌های موسیقی حرفه‌ای شاید طی سال یک بار هم به روی صحنه نروند.

او درباره علت این امر توضیح می‌دهد که راه موسیقی در ایران توسط چند نفر، مشخص می‌شود و آنها براساس سود مالی خود تصمیم می‌گیرند که موسیقی چه مسیری را طی می‌شود باید در نقش یک ساز عمل کند.

کند که البته انتخابشان راه ساده‌تر و بی‌دردستر است که زودتر به سوددهی مالی برسند.

درخشانی ادامه می‌دهد: در کشورهای همسایه دولت‌ها از کنسرت‌ها و گروه‌های موسیقی ملی حمایت می‌کنند، دولت ایران هم باید ضمن حمایتی که خودش از ارکسترها و گروه‌های موسیقی ایرانی و نواحی نشان می‌دهد، موجی را در جهت حمایت‌های خصوصی راه بیندازد.

پدرام درخشانی را فزگیری موسیقی را از ۱۰ سالگی با ساز سنتور نزد استادیی چون شانروان سیروس ساغری، سعید نعمی‌منش، مسعود رضایی‌ژاد و محمد آذری فرا گرفت. او دوره‌های تکمیلی و حرفه‌ای سنتور را نزد استادیی چون فرامرز پایور، پرویز منگلتایان، شپنگ کامکار و مسعود شناسا گذراند است.

درخشانی با گروه‌های «دستان» به سرپرستی محمدعلی کیایی ژئاد، «منشوی» به سرپرستی شادروان شه‌ریار فریوسفی، «دالاهو» به سرپرستی مسعود حبیبی، «فتراستان» به سرپرستی میلاد درخشانی و… همکاری داشته است.

**مردم حوصله سابق را ندارند**

این نوازنده و آهنگساز در فستیوال‌هایی چون فستیوال هنر ایران در دوسلدورف آلمان ۱۳۷۰، فستیوال تابستانی موسیقی هلسنکی (فلاند)، شش بار حضور در فستیوال جهان خسرو در کشور هندوستان، شرکت در فستیوال هنر امروز ایران در کشور آلمان به همراه گروه رومی در شهرهای دوسلدورف (۱۹۹۲)، برلین (۲۰۰۴)، هامبورگ و کلن (۲۰۱۳) و … شرکت کرده است.

از آلبوم‌های ایسن هنرمند می‌توان به «دیوانه شو» یا صدای علی تفرشی، «رومی یک» یا صدای مهرداد هویدا و حامد یکبیک، «رومی دو» یا صدای سینا سرلک، «شب‌های تهران» یا همکاری سعید شنه‌زاده، «آخرین غزل تهران»، «بزم می‌جانان» و… اشاره کرد.

## دلایل رضایی‌راد برای انصراف از اجرای نمایش در تئاتر شهر

در حال اجرایی بوده‌ایم که همگی‌شان با طی مراحل مختلف بازخوانی و بازبینی، مجوز اجرا گرفته بودند؛ این تظبیعات آشکار گاه مستقیما از سوی شورای نظارت اداره کل هنرهای نمایشی و گاه – بنا به شنیده‌ها – با فشار دستگاه‌های دیگر و حتی گاه به بهانه وجود شاکیان خصوصی انجام گرفته است. اکنون، جناب‌عالی بفرمایید حقیقتا چه تضمینی وجود دارد نمایشی بزرگ و پرخرج و برخی رسانه‌ها به نقل از هنرمندان خوانده‌ایم که گویا طبق دستور یا نامه‌ای که مرجع و مبنا قانونی آن محل سوال است، برخی از هنرمندان نام‌اشنا (همچون همایون غنی‌زاده، محمد رحمانیان و …) از حق اجرای تئاتر گرفتار چنین رویهٔ ناصحیحی نشود؟ و اگر شد، چه کسی پاسخگوی زبان‌های وارده به گروه خواهد بود؟

در چنین شرایطی اصلا از «امنیت شغلی» چه باقی می‌ماند؟ و کسب مجوز از شورای نظارت اداره کل هنرهای نمایشی و عبور از خوان‌های متعدد بازخوانی و بازبینی، اگر تضمینی برای ایسالمهٔ یک تئاتر نباشند، اصلا چه ارزشی دارد؟ حقیقتا انصاف بدهیید در شرایطی که اداره کل هنرهای نمایشی و شورای نظارت توان تعهد به مجوز قانونی خود را ندارند، طی کردن مراحل متعدد بازخوانی و بازبینی و کسب مجوز اجرا از شورای نظارت نیز امری عبث بوده و اطمینان خاطری به همراه نمی‌آورد.

۳ – گویا اخیرا تغییراتی در ترکیب اعضای شورای بازخوانی و بازبینی شورای نظارت رخ داده و در بدعتی تازه، جمعی از طلاب به جمع بازخوانان و بازبینان این شورا پیوسته‌اند. از آنجا که این افراد تاکنون رسما به جامعه هنری معرفی نشده و هیچ اطلاعی از میزان آشنایی

جناب آقای محمدجواد طاهری

مدیریت محترم تئاتر شهر

با سلام

چنان‌که لایند مطلع هستید طبق تفاهنامه‌ای که در دی ماه ۱۴۰۰ به امضای مدیر سابق مجموعه تئاتر شهر رسیده، مقرر شده است «گروه تئاتر خانه» نمایش «به گزارش زنان تروا» (با نام اولیهٔ هکاب) را به نویسندگی مشترک آقای محمدرضایی‌راد و سرکار خانم نگمه ثمینی و کارگردانی محمد رضایی راد در آذر و دی ۱۴۰۱ در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه ببرد، اما متأسفانه اوقایع متعددی که در چند ماه اخیر در تئاتر ارباب رخ داده، امید به اجرای بی‌مسئله و بی‌اسیب این نمایش را در شرایط فعلی از میان برده است. از جمله:

۱ – از اوایل سال جاری و در کمال تاسف با ادعای ممنوعیت کاری سرسکار خانم نگمه ثمینی مواجه شده‌ایم که البته قانونی بودن آن محل تردید است؛ زیرا در شرایطی که هیچ اتهامی برای ایشان در هیچ دادگاهی به اثبات نرسیده و حتی خودشان هم از دلایل این ممنوعیتی کاملاً بی‌اطلاع بوده و هنوز امکان پاسخگویی به ابهامات احتمالی را نداشته‌اند، چطور یک دستسگاه اجرایی می‌تواند حکم به مجازات ممنوعیت کاری یک هنرمند داده و او را از حقوق اولیه و بدیهی خود محروم کرده باشد؟ در چنین شرایطی ما به لحاظ اخلاقی و حرفه ای هرگز شریک حذف نام همکارمان نخواهیم شد.

۲ – طی چند ماه اخیر و با تغییراتی که در «داره کل هنرهای نمایشی» رخ داده است، متأسفانه به کرات شاهد انتشار اخباری در مورد بازبینی‌ها و ممیزی‌های مجدد و یا حتی توقیف موقت و توقف فروش بلیت نمایش‌های

گزارش

#### در مراسم یادبود محمدعلی کریم‌خانی عنوان شد



– خواننده مذهبی و مداح – که قطعه معروف «آمدام ای شاه پنجاه بده» را خوانده بود، ۳۰ خرداد ۱۴۰۱ گذشت و اکنون در یک مراسم یادبود درباره ویژگی‌های موسیقایی او و شخصیتش صحبت شده است.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی فرهنگسرای اندیشه، ویژه‌نامه «آیین آواز» همراه با مراسم یادمان محمدعلی کریم‌خانی شاعر و خواننده قطعه مشهور «آمدام ای شاه پنجاه بده» شب گذشته در فرهنگسرای اندیشه برگزار شد.

در این مراسم چهره‌هایی نظیر امیرحسین سیمعی معاون هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، منوچهر سهیلی، مرتضی غزنوی، طهمورت شاه‌رخی، آرش نصیری، رضا مهدوی، بهمن کریم‌خانی فرزند این خواننده و … حضور داشتند.

رضا مهدوی پژوهشگر و موسیقیدان و نوازنده سنتور در این مراسم گفت: یزده‌یاد مرحوم محمدعلی کریم‌خانی شخصیتی است که تمام زندگی خود را مصروف خاندان عصمت و طهارت کرد و از موسیقی ملی برای این کار بهره گرفت. مرحوم کریم‌خانی کسی است که آثار زیادی دارد و بهتر بود در اینجا هم فقط درباره دو اثر مشهور او بلکه هر آن چیزی که تولید نشد و در محافل رسمی و غیررسمی خوانده شد صحبت کنیم. آقای کریم‌خانی اهل قزوین است و این خطه هنرمندان زیادی در عرصه موسیقی داشته است.

وی ادامه داد: می‌خواهم بر درست‌خوانی تأکید کنم، چرا که مناسبت‌خوانی و مناسبت‌بانی را از دست داده‌ایم. باید یاد بگیریم که طبق حال مجلس و روحیه آن چه بنوازیم و چه بخوانیم، اما متأسفانه امروز گوش‌های ما کمتر موسیقی درست می‌شنود. اشنه‌ایست که می‌گویند نسل جدید قربانی با این فرهنگ آوازی ندارد، چرا که هر انسانی به دنبال هویت است و نمی‌تواند از اصل خود جدا شود.

او با اشاره به هنر ناب محمدعلی کریم‌خانی گفت: موسیقی بی‌اصالت در جغرافی‌های مختلف تلو تلو می‌خورد تا ببیند که آیا در جایی می‌تواند هویت پیدا کند یا خیر و عمر خوانندگان آن نیز به زور شرکت‌های کلان موسیقایی و گردانندگان پشت صحنه به دو سال می‌رسد. این موضوع در حالی است که وقتی کسی مثل آقای کریم‌خانی می‌خواند: «آمدام ای شاه پنجاه بده»، همه ما دچار احساس خوب می‌شویم. آقای کریم‌خانی به درستی مکتب پیامبران و امامان را می‌شناخت و می‌دانست آن چیزی که به امانت از سوی پروردگار در حنجره‌اش گذاشته شده است باید خرج چیزهای درست کند. او همیشه معتقد بود که باید شأن امام حسین (ع) را رعایت کنیم و هیچ‌وقت به‌گونه‌ای نخواند که اشک اشخاف‌ای از کسی بگیرد.

مهدوی در بخش پایانی سخنان خود بیان کرد: او جزو شخصیت‌هایی است که مسابق و سیاق و شباهت بسیار زیادی به مرحوم سیدجواد ذبیحی دارد که هنوز هم صدای او از گوش ما بیرون نرفته است. ذبیحی کسی بود که آقای پیرنیا به خاطرش «گل‌ها» را ساخت.

سخن‌های خواننده و پژوهشگر آواز، دیگر سخنران این جلسه بود. وی در سخنانی کوتاه درباره محمدعلی کریم‌خانی گفت: محمدعلی کریم‌خانی، سیدجواد ذبیحی، سلیم موزن زاده، احمد مراتب، تاج اصفهانی، حسین صیحدل، مرشد محمد مرادی و … پیش از آنکه ذاکر، مدیحه‌سرا و مرشد زورخانه باشند، هنرمند هستند. دلیل اینکه مراسم «آیین آواز» امشب را به آقای کریم‌خانی اختصاص دادیم، هنرمند بودن اوست. این برنامه به این دلیل برگزار شد تا به همدیگر یادآوری کنیم که محمدعلی کریم‌خانی یک هنرمند و موسیقایی‌دان تمام عیار است. من ویدئوهای زیادی را از ایشان دیدم که واقعا به زیبایی چهچه می‌زده است و شبیه به هنرمندان دیگری نظیر ایرج بوده است.

امیرحسین سسمعی معاون هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در بخش دیگری از این مراسم بزرگداشت بیان کرد: خوشحالم که مراسم امروز «آیین آواز» اختصاص به مردی دارد که صدایی نورانی، متعهد و دوستانه‌دشتنی داشت. او با صدایی بلند، نوکری ابا عبدالله را فریاد زد و در آن درجه هنری خود را به رخ کشید.

وی اضافه کرد: درهم‌تنیدگی هنر و فرهنگ در مناسک عزاداری ما بخشی از تاریخ اصیل شیعی ماست که باید بدان افتخار کنیم. دفاع از حق و حقیقت و ستایش پیام ابا عبدالله به فرهنگ و هنر ما گره خورده است. قالب‌های مختلف هنری خود را به این مفهوم عمیق متصل کردند تا ماندگار شوند. از مرعق و تذهیب و خوشنویسی گرفته تا نقاشی و موسیقی. همه آنان در جهت اعتلای شاعر آیینی ما و رساندن پیام عاشورا حرکت کردند.

معاون هنری سازمان فرهنگی هنری تأکید کرد: هنر آوازخوانی انصاف‌ا از پیشگامان هنر در این زمینه بوده و استاد کریم‌خانی قطعا یکی از چهره‌های شاخص این عرصه است و سرسینه متوات از دانش‌آموختگان سینه به سینه آواز ایرانی و هنر آیینی را به ما یادآوری می‌کند.

سید روح الله موسوی نویسنده کتاب «نجوی عاشورایی» مهمان دیگر این جلسه بود. کتاب نجوی عاشورایی درباره آثار زنده‌یاد کریم‌خانی و به قلم او تدوین شده است.

این نویسنده گفت: امروز به همت دست‌اندارکان برنامه «آیین آواز» در فرهنگسرای اندیشه مراسم یادمان استاد فقید آواز مذهبی، آقای محمدعلی کریم‌خانی برپا شد. بنده از حدود ۲۰ سال پیش درصدد گردآوری آثار ماندگار ایشان باارمدم و چون ایشان در دوران جوانی به شهر آواز ایران یعنی خوانسار آمد، علاقه‌ام را به تألیف کتابی با موضوع آوازها و مداحی‌های ایشان برانگیخت.

وی ادامه داد: نجوی عاشورایی با همکاری و همراهی خود ایشان به رشته تحریر درآورد. آقای آری عظیمی‌نژاد نیز در تألیف این کتاب کمک‌های شایانی کردند که باید از ایشان تقدیر و تشکر کنم. استاد کریم‌خانی قبل از اینکه با قطعه مشهور «آمدام ای شاه پنجاه بده» و آلبوم «سایه سرمت» در ایران و دنیا مشهور شود، در ایام عزاداری سید و سالار شهیدان در شهرستان خوانسار پیش از سه دهه بهترین آوازها و نغمات مذهبی را از خود به یادگار گذاشت که به قول اهل فن، بهترین آوازهای مذهبی خود را در همانجا خوانده است.

بهمن کریم‌خانی شاعر، خواننده و فرزند «محمدعلی کریم‌خانی» در بخش پایانی این جلسه سخنرانی کرد و گفت: پدرم، چهار فرزند دارد؛ سه پسر و یک دختر. از همان دوران کودکی، گوش‌های ما با موسیقی، شعر و هنر آشنا شد. برادران من در حوزه موسیقی و آواز فعالیت دارند و بنده گرایش بسیار بیشتری به شعر دارم. به همین دلیل می‌خواهم درباره ابعاد شعری فعالیت استاد کریم‌خانی صحبت کنیم.

وی با اشاره به اهمیت شعر در آوازخوانی گفت: به نظرم شعر یکی از ارکان آواز هنرمندی می‌خواهد اثری جاودانه و همه‌پسند خلق کند، باید انتخاب شعر درستی داشته باشد و حتی می‌تواند نیمی از راه باشد. استاد کریم‌خانی در محافل کوچک و بزرگ که اجرا داشت و چه در استودیو به انتخاب شعر توجه و دقت بسیار ادا می‌کرد.

او به تمام معنا عاشق ابا عبدالله، حضرت ابالفضل و امام رضا بودند و در همه کارهایی که خوانده‌اند، این عشق را می‌توان دید. شب تاسوعا را بسیار دوست داشت و می‌گفت که حضرت ابالفضل در این شب سنگ تمام گذاشته و من هم باید در هیات سنگ تمام بگذارم. فرزند محمدعلی کریم‌خانی درباره ارادت پدرش به حضرت عباس (ع) گفت: خاطرم هست در یکی از مراسم‌ها در شب تاسوعا در شهر خوانسار این شعر زبیا از آقای علی انسانی را در وصف حضرت عباس خواندند: «ای خداوند ادب، بنده عشق، کشته مهر و وفا زنده عشق …» یک قطعه موسیقی زمانی می‌تواند فاخر باشد که شعرش صدای فخرش

بخشد. فاضل صاری فاخر هم بسیار مهم است. به نظرم کسانی که به سمت مداحی و خوانندگی می‌روند باید به این موضوع دقت بسیار زیادی داشته باشند.



نفر به این کشور سفر می‌کردند. این درحالی است که «مونتنگرو» کمی بیشتر از ۲.۵ میلیون گردشگر جذب کرده است.

گردشگران برای شهرهای فرهنگی، منظره‌های زیبا و غذای لذیذ فرانسه به این کشور سفر می‌کنند، اما پیش از همه‌گیری کرونا، گردشگری کمتری از یک دهم از تولیدات ناخالص داخلی فرانسه را در برمی‌گرفت و در سال ۲۰۲۱ این رقم ۶.۵ درصد اعلام شد.

اسپانیا نیز در سال ۲۰۱۹، بیش از ۸۰ میلیون بازدیدکننده جذب کرد، با این حال سهم گردشگری در تولید ناخالص داخلی فقط ۱۴.۵ درصد بود. این رقم در سال ۲۰۲۱ با ۸.۵ درصد کاهش پیدا کرد.

<sup>[1]</sup> این کشور سهم ۱۰٫۲ درصد از تولیدات ناخالص داخلی فرانسه را در برمی‌گرفت و در سال ۲۰۲۱ این رقم ۶٫۵ درصد اعلام شد